

سورۃ الفجر

عوامل رستگاری در قرآن

(مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

او و پیغمبران او و آنچه نبی خانم(ص) آورده است. رستگاری حقیقی بسته به ایمان حقیقی و مفید به تمام شرایط است که در آیات بعد به صورت واضح و روشن ذکر می‌فرماید.^(۱۳)

انتخاب فعل ماضی «افلح» در مورد رستگاری مؤمنان، برای تأکید هر چه بسزاست: یعنی رستگاری آنها بقدر مسلم است که گویی قبلاً تحقق یافته و ذکر کلمه «قد» پس از آن نیز تأکید دیگری بری موضوع است. تعبیراتی همچون خاشعون، معرضون، راعون و یحافظون همه دلیل بر آن است که برنامه‌های مؤمنان راستین در این اوصاف برجسته، موفقی و محدود نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است.^(۱۴) ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است مثلاً ایمان به خدا در قرآن به معنای تصدیق به یگانگی او و پیغمبرانش و تصدیق به روز جزا و بازگشت به سوی او و تصدیق به هر حکمی است که فرستادگان او آورده‌اند.^(۱۵)

البته لازمهٔ ایمان عمل صالح است و ایمان تصدیق توأم با تسلیم و اطمینان خاطر است.^(۱۶) ایمان به خدا و پیامبر^(۱۷) و ایمان به کتابهای پیشین^(۱۸) و ریز رستخیز و آخرت مایه سعادت اخروی می‌باشند. «در قرآن هر جا که صفات مؤمنان را می‌شمارد به دنبال ایمان، عمل صالح را ذکر می‌فرماید یعنی این دو و با هم موجب خوشبختی انسان است.»^(۱۹) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً»^(۲۰) هر کس کار شایسته‌ای کند حواد مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌کنیم» و نیز «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَّآبٍ»^(۲۱) آن‌ها که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجام‌ها.

خداوند در سوره نور می‌فرماید: «أَتَمْنَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^(۲۲) سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم». و اینها همان رستگاران واقعی هستند و همچنین در آیه بعد اطاعت کنندگان از خدا و رسول را سعادت‌مندان واقعی می‌شمارد. از اینجا فهمیده می‌شود که مقتضای اعتقاد قلبی بر پیروی آنچه خدا و رسولش حکم می‌کنند همین است که دعوت خدا و رسول را لیبک گویند نه این که آن را رد کنند.^(۲۳)

■ مقدمه

اسلام به عنوان کاملترین و جامع‌ترین دین الهی خوشبختی و رستگاری انسانها را در قرآن بیان کرده است و در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. در قرآن حدود ۴۰ مرتبه^(۱) از فلاح (رستگاری) سخن گفته شده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی و اخروی سخن رانده است که البته رستگاری از هر دو بعدش هم دنیوی و هم اخروی مدنظر بوده و از آنجا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

فلاح (رستگاری) از ماده «فلاح و فلاح» در اصل به معنی شکافتن و بریدن است و به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است. در حقیقت افراد پیروز و رستگار و خوشبخت، موانع را از سر راه خود برمی‌دارند و راه را برای رسیدن به مقاصد هموار

می‌سازند و پیش می‌روند. فلاح و رستگاری به معنی وسیع آن هم پیروزی‌های مادی را شامل می‌شود و هم معنوی را. بی‌روزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند که این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر برد.^(۲)

■ عوامل رستگاری در قرآن

اما عواملی که انسان را به رستگاری می‌رساند و سعادت‌مند ابدی می‌کند عبارتند از:

۱- ایمان:

خداوند در سوره مؤمنون می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^(۳) یعنی مؤمنان رستگار شدند. مؤمنان یعنی تصدیق کنندگان به خدا و یگانگی



از عوامل بسیار مهم رسیدن به سعادت اخروی نماز می‌باشد خدا می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ ﴿۱۶﴾ مؤمنان رستگار شدند، کسانی که در نمازشان خشوع دارند.» خشوع به معنای تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد در واقع کسانی که به هنگام نماز آن چنان حالت توجه به پروردگار می‌یابند که از غیر او جدا می‌گردند و چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگارشان می‌شوند که بر تمام ذرات وجودشان اثر می‌گذارد. این نماز موجب خودسازی و تربیت انسان است و وسیله‌ای برای تهذیب روح و جان است. (۱۷)

همچنین در سوره حج آمده «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ كُمْرًا وَاسْجُدُوا وَعَبَدُوا رَبَّهُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود به جا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید. در این آیه رکوع و سجود توصیه شده که دو رکن مهم نمازند و در پایان وعده رستگاری داده شده است.

همچنین در آیات دیگر محافظت و مراقبت در نماز توصیه شده است و موجب رستگاری انسان شمرده می‌شود. در سوره مؤمنون هفت صفت (۱۹) برای مؤمنان سعادت مند ذکر شده که ابتدا و انتهای این صفات در مورد نماز است. این آیه بیان گر اهمیت نماز است و علاوه بر خشوع، مراقبت و حضور قلب در نماز، نشانه رستگاری معرفی شده است.

در برخی آیات قرآن، ذکر خداوند و مداومت بر آن زمینه دستیابی به فلاح و رستگاری معرفی شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ فَذُكِّرُوا... وَأَذْكُرُوا...» (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگام نماز (در میدان نبرد) با گروهی روبرو می‌شوید ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید باشد که رستگار شوید. در سوره جمعه آورده «... وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۲۱) آیاتی نظیر آیات مذکور دلالت بر اهمیت ذکر خدا و دعا و مناجات با او برای سعادت مند شدن در زندگی دارد.

۳- عمل خیر:

انجام عمل خیر و نیکی‌های فراوان از عوامل دیگر سعادت ابدی انسان می‌باشد. «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲۲) وزن کردن اعمال و سنجش ارزش آنها در آن روز، حق است. کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند.» در سوره حج می‌فرماید: «... وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۲۳) کار نیک انجام دهید شاید رستگار شوید. از این آیه بدست می‌آید هر چه اعمال خیر و نیک انجام دهیم در مسیر رسیدن به سعادت قدم بر می‌داریم.

۴- تزکیه نفس:

عامل دیگری که انسان را به زندگی سعادت مند رهنمون می‌شود تزکیه نفس است. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (۲۴) به یقین رستگار شد کسی که به تزکیه نفس پرداخت. خداوند در سوره شمس پس از اینکه هفت بار به آفریده‌های بزرگ و مهم (مثل خورشید، ماه و...) قسم یاد نموده می‌فرماید (قد افلح من زكها) به یقین سعادت مند شد کسی که نفس خود را از آلودگیها (گناهان) زدود و پاک کرد و این نشانگر اهمیت پیراستن جسم و جان از ناپاکی‌ها است که در نتیجه آن رستگاری و خوشبختی نصیب آدمی می‌شود.

آنگاه که انسان نفس خود را پاکیزه کرد و آن را از صفات حیوانی مبرا نمود آنچه خیر و مایه رستگاری اوست از جانب خدا به وی الهام می‌گردد. (۲۵)

تا نفس مبرا از مناهای نشود

دل آینه نور الهی نشود
خداوند در سوره اعلی می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (۲۶) یعنی یقیناً کسی که پاکی جست، رستگار شد. آری هر کس در مقام مجاهده با نفس برآمد سعادت مند گشت و قابلیت سکونت در جوار رحمت الهی را که همانا کمال خوشبختی است پیدا کرد.

۵- تقوا:

خداوند در آیات متعددی بعد از بیان صفت تقوا به رستگاری و سعادت مندی بشارت داده است. در سوره مائده آمده: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ... فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۲۷) بگو هیچ‌گاه ناپاک و پاک مساوی نیستند... از مخالفت خدا بپرهیزید ای خردمندان، شاید رستگار شوید.»

زمانی که انسان از هوا و هوس پیروی نکند و نفس خود را از آلودگی به معاصی حفظ کند در زندگی ابدی‌اش سعادت خواهد بود. همچنین از طرح تقوا به عنوان عامل مهم رستگاری در چندین آیه در قرآن به اهمیت این ویژگی در

زندگی انسان پی می‌بریم.

یکی از موارد با اهمیت سعادت و خیرورزی انسان، داشتن تقواست که از مصادیق آن که در قرآن ذکر شده نگهداشتن نفس از حرص و بخل (۲۸)، رویگردانی از لغو (۲۹)، دوری از شراب و قمار و بت پرستی و شرک (۳۰) و رباخواری (۳۱) و نیز حفظ عفت و پاکدامنی می‌باشد. (۳۲)

۶- زکات:

یکی دیگر از عوامل مهم پیروزی و ظفرمندی در دنیا و آخرت مسأله زکات است. که شامل زکات شرعی، انفاق مال و صدقه و زکات فطره می‌باشد. (۳۳) دادن زکات چه زکات مال و چه زکات فطره موجب خوشبختی اداء کننده آن می‌باشد خداوند در سوره اعلی فرموده: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (۳۴) و ذکر اسم رَبِّهِ فَصَلَّى؛ (۳۵) به یقین کسی که پاکی جست رستگار شد و آن که نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند.»

در سوره مؤمنون هم زکات دادن از عوامل رستگاری به شمار آمده است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِزَكَاةٍ فَسَعَلُونَ» (۳۶) در اینجا اداء زکات و مداومت بر آن که جنبه اجتماعی و مالی دارد از صفات مؤمنان و رستگاران بیان شده است.

مطابق آیات قرآن انسان برای رسیدن به نهایت کامیابی غیر از توجه ویژه به نماز و اعمال عبادی به مسائل اجتماعی که از مهمترین مصادیق آن مسأله زکات است توجه نماید چرا که نماز زحمت جسمی برای فرد بدنبال دارد. و زکات دادن گذشتن از مال دنیا برای رضای خداوند متعال است و اثر آن جلا دادن و صفا دادن به قلب و موجب نورانیت روح انسانی می‌باشد. مصداق دیگر برای این موضوع انفاق در راه خداست. در سوره روم آمده: «فَقَاتِلْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَارْحَمِ السَّبِيلَ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۳۶) پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارانند.

ذی القربی به معنای صاحب قرابت از ارحام است و مقصود خویشاوندان می‌باشد و مسکین کسی را گویند که از فقیر بدحال تر باشد و این سبیل مسافری را گویند که در راه مانده و حاجتمند است. (۳۷) پس حقوق این گروهها را باید ادا کرد تا به فلاح و کامیابی دست یافت.

۷- جهاد:

در چندین آیه بعد از بیان جهاد در راه خدا یا با جان و یا با مال وعده رستگاری داده شده



است. «... وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۳۸) یعنی و جهاد کنید در راه خدا شاید که رستگار شوید. در سوره توبه می فرماید: «لَنْ يَكُنَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُوْلَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۳۹) ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جانهایشان جهاد کردند؛ و همه نیکی ها برای آنهاست؛ و آنها همان رستگارانند.

همچنین پایداری در مقابله با دشمن و مراقبت از کار دشمن نیز از عواملی است که نتیجه آن رسیدن به سعادت می باشد در سوره انفال می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... فَأَنِيئُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۴۰) ثابت قدم باشید و پایداری کنید باشد که رستگار شوید. در موقعیتی که با کافران در حال جنگ هستید پایداری کنید و فرار نکنید تا در دنیا پیروز شوید و در آخرت هم سعادتمند. در سوره آل عمران می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَرَآيَطُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۴۱) مراقب کار دشمن باشید و هشیار باشید تا از دشمن آسیب نبینید. باز هم نتیجه این کار را فلاح و سعادت مندی می داند. دشمن شناسی مسأله مهمی است که انسان در همه دوران باید مورد توجه قرار دهد و با توجه به شناختی که از دشمن پیدا کرده است به تدبیر امور بپردازد و راههای مقابله با او را کشف کند و نقاط ضعف و قوت او را بشناسد تا هرگز مغلوب دشمن نشود.

در سوره مجادله آیه ۲۲ می فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ... وَأُوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» هیچ قومی نخواهی یافت که ایمان به خدا و روز جزا داشته باشد و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند دوستی کند، هرچند دشمن خدا و رسول، پدران و یا فرزندان و یا برادرانشان و یا قوم و قبیله شان باشد؛ برای اینکه خداوند در دلهایشان ایمان را نوشته و... ایشان حزب خداوند آگاه باشید که حزب خداوند رستگارانند. به نظر می رسد که این آیه دلالت بر اهمیت عقیده و باور می کند که به گونه ای که وقتی انسان به خدا ایمان آورد دیگر دشمنان خدا را به دوستی بر نمی گزیند یعنی همان دشمنی با دشمنان خدا و رسول و همان تبری که جزو فروع دین ماست می باشد. چگونه ممکن است جمع شود بین دوستی با کسی و دوستی با دشمن او. (۴۲)

۸- وفای به عهد:

در سوره مؤمنون از جمله هفت صفتی که برای مؤمنان رستگار شمرده است وفای به عهد و پیمان است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (۴۳) آنها که رعایت امانت و عهد می کنند». افراد یک جامعه اگر پایبند به عهد و پیمان باشند و امانتداری از ویژگی های آنها محسوب شود خیلی از مشکلات امروز حل می گردد از جمله یکی از آن امانات همین مسئولیتهایی است که به افراد واگذار می شود اگر همگان به این نکته توجه داشته باشند که مسئولیتی که به آنها سپرده شده است امانتی بیش نیست و عهدی است که بین خود و اداره یا شرکت و یا نظام خود منعقد کرده است حساس تر و دقیق تر خواهد شد تا آن مسئولیت را هم در حضور جامعه و مردم و هم در محضر خداوند باری تعالی بهتر و مفیدتر به انجام برسانند و لغزش به خود راه نداده با ایمانی راسخ به ادای مسئولیت و تکلیف خویش در قبال جامعه و مردم بپردازد. البته در تفاسیر منظور از امانات به فرزندان یا زنان (۴۴) یا امامت ائمه (۴۵) و یا مطلق ولایت و حکومت تعبیر شده است.

خلاصه اینکه از نظر قرآن یک پله از پله های رسیدن به سعادت مندی، همان وفای به عهد و امانت است.

۹- استفاده از «وسيله» برای تقرب به خدا:

خداوند در سوره مائده می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۴۶) ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید؛ و در راه خدا جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خداست

به این که اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در نانی به بندگی او بپردازی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی (۴۷) وسیله نوی توسل است در مورد خداوند که منزله از طلکان و حسم است توسل معنوی و پیدا کردن رابطه ای است که بین سده و پروردگارش اتصال برقرار کند و از اینجا که بن بنده و پروردگارش هیچ رابطه ای به جز عبودیت نیست قهراً وسیله عبارتست از این که انسان به حقیقت عبودیت را دست بابد و به درگاه خدای تعالی وجهه مسکنت و فقر خود گیرد. و همچنین گفته اند وسیله به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است. و برخی گفته اند مقصود توسل به ائمه (ع) که در نزد خدا صاحب آبرویند و دست به دامن شدن ائمه (ع) برای تقرب به خداوند باری تعالی می باشد. (۴۸)

۱۰- امر به معروف و نهی از منکر:

خداوند در سوره آل عمران می فرماید: «وَلْيَتَّقِ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِي كُنْتُمْ تُدْعَوْنَ إِلَيْهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۴۹) یعنی باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. از این آیه مستفاد می شود که امر به معروف و نهی از منکر به طور مستقل به سعادت انسان منتهی می شود. البته این کار شرایطی دارد که با وجود آن شرایط بر فرد واجب می شود که امر به معروف کند و نهی از منکر (۵۰) نماید. امت در اصل از ماده «ام» به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد و به همین

۱۱- صبر و سفارش به آن:

در سوره آل عمران می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَاضِعُوا وَاتَّقُوا إِنَّهُ لَمَعَ لَكُمْ تَفْلِحُونَ» (۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. چنانچه مشاهده می‌شود در این آیه فرموده که ای اهل ایمان در کار دین صبر کنید و بکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید شاید که رستگار شوید. همه دستورات در آیه مذکور به طور مطلق آمده و معنای عام را در بر دارد. (۵۵)

۱۲- توبه:

خداوند در سوره نور می فرماید: «...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۵۶) یعنی دستور به توبه و بازگشت به سوی خداوند داده و می‌فرماید به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان باشد که سعادت‌مند شوید. خداوند در این آیه بعد از تذکرات و دستوراتی که در مورد حفظ عفت و ابرو به مردان و زنان مؤمن می‌دهد می‌فرماید در هر جایی که مخالفت این احکام را نمودید توبه کنید و از مخالفت اوامر الهی به موافقت باز آید که امید رستگاری برای شما هست.

و نیز در سوره قصص می‌فرماید: «فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» (۵۷) یعنی اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد امید است از رستگاران باشد. پس توبه و انابه از گناهان گذشته و قرار گرفتن در زیر چتر حمایت الهی و اطاعت از اوامر خداوند متعال گام مهمی در رسیدن به هدف متعالی انسانی یعنی سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد؛ زیرا در آیات مختلفی از توباب بودن و توبه‌پذیر بودن خداوند سخن به میان آمده است.

خلاصه اینکه از نظر قرآن عواملی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت پلته‌های اصلی از پناه به جایگاه ظرفمندی و سعادت و فرار کردن در جوار رحمت الهی که کمال پیروزی و رستگاری است می‌باشد. به عبارت دیگر با تأمل و تدبر در آیات مطرح شد و در مطالب پیشین می‌توان گفت که اعتقاد قلبی به اصول دین و التزام عملی به فروع دین در نهایت، ختم به رستگاری و فلاح انسان می‌گردد.

■ ■

جهت «امن» به جماعتی که جسته و خدنی در میان آن‌ها باشد گفته می‌شود خواه وحدت از نظر زمان باشد یا مکان و یا هدف و مرام! چون به دنبال آیات پیش که به اخوت و اتحاد توجه دارد به مسأله امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده این در حقیقت به منزله یک پوشش جماعتی برای محافظت از جمعیت است؛ زیرا گر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌خای اجتماع را می‌خورند و آن را از هم متلاشی می‌سازند. بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. (۵۱)

احادیث معتبر زیادی بر اهمیت این امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دلالت دارد از جمله روایتی از امام باقر(ع) که فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریق صلحاء است. فریضه بزرگی است که به آن است قیام تمام فرانس، راهها به آن ایمن می‌شود و کسب‌ها به آن حلال می‌گردد و مظالم به سبب آن رد می‌شود و زمین به آن آباد می‌گردد و به آن انصاف از دشمنان ظهور می‌یابد و استقامت امور به آن حاصل آید.» (۵۲)

همچنین علی(ع) می‌فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. این دو وظیفه بزرگ در حقیقت ضامن اجرای خیر و طایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آن‌ها می‌باشد و با تعطیل آن‌ها تمام احکام و اصول اخلاقی، ارزش خود را از دست خواهد داد. (۵۳)

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد فواد عبد الباقی، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قم، نوبت اسلام، ۱۳۸۳.
۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ - ۱۳۶۶، ش. ۲۷، جلد، ۱۳۶۸۶ (ص)، ص ۱۹۳.
۳. سوره مؤمن، آیه ۱.
۴. شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی، تفسیر حسروت، ج ۶، تهران، چاپ الاسلامیه، ۱۳۹۰ - ۱۳۹۷، ق. (۸ جلد، ۳۹۹۴ ص) ص ۱۰۸.
۵. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۳.
۶. سیدمحمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ش. ص ۴؛ تفسیر مخزن العرفان، ج ۹، ص ۵.
۷. سیدعلی اکبر قرنی، احسن الحدیث، ج ۷، تهران، وحدت تحقیقات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶، ش. ص ۹۶.
۸. سوره مؤمن، آیه ۱.
۹. سوره بقره، آیه ۴.
۱۰. سوره بقره، آیه ۴ و سوره لقمان، آیات ۴ و ۵.
۱۱. ترجمه تفسیر المیزان، پیشین، ص ۵.
۱۲. سوره نحل، آیه ۹۷.
۱۳. سوره رعد، آیه ۲۹.
۱۴. سوره مؤمن، آیه ۵۱.
۱۵. ترجمه تفسیر المیزان، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۰۰.
۱۶. سوره مؤمن، آیه ۲۰۱.
۱۷. تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۰۴، ۱۹۳.
۱۸. سوره حج، آیه ۷۷.
۱۹. سوره مؤمن، آیات ۱ تا ۹.
۲۰. سوره انفال، آیه ۴۵.
۲۱. سوره جمعه، آیه ۱۰.
۲۲. سوره اعراف، آیه ۸.
۲۳. سوره حج، آیه ۷۷.
۲۴. سوره شمس، آیه ۱۴.
۲۵. مخزن العرفان، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۰.
۲۶. سوره اعلی، آیه ۱۴.
۲۷. سوره مائده، آیه ۱۰۰.
۲۸. سوره خضر، آیه ۹.
۲۹. سوره مؤمن، آیه ۳.
۳۰. سوره مائده، آیه ۹۰.
۳۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۵.
۳۲. سوره مؤمن، آیه ۵.
۳۳. ترجمه تفسیر المیزان، پیشین، ج ۱۵، ص ۳؛ تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۹۶ و ج ۲۰، ص ۴۳۸.
۳۴. سوره اعلی، آیات ۱۴ و ۱۵.
۳۵. سوره مؤمن، آیه ۴.
۳۶. سوره روم، آیه ۳۸.
۳۷. ترجمه تفسیر المیزان، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۷۶.
۳۸. سوره مائده، آیه ۳۵.
۳۹. سوره توبه، آیه ۸۸ (آیه ۲۵ مائده و ۲۰۰ آل عمران هم مربوطند).
۴۰. سوره انفال، آیه ۴۵.
۴۱. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.
۴۲. تفسیر مخزن العرفان، ج ۵، ص ۲۰۲.
۴۳. سوره مؤمن، آیه ۸.
۴۴. محمد جواد نجفی، تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۲۷۴، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ - ۱۳۶۴.
۴۵. تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۰۰.
۴۶. سوره مائده، آیه ۳۵.
۴۷. ترجمه تفسیر المیزان، پیشین، ج ۵، ص ۵۳۲.
۴۸. همان مدرک.
۴۹. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.
۵۰. تفسیر عاملی، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۴.
۵۱. تفسیر نمونه، پیشین، ج ۳، ص ۴۲.
۵۲. همان.
۵۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۲.
۵۴. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.
۵۵. تفسیر احسن الحدیث، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۵.
۵۶. سوره نور، آیه ۳۱.
۵۷. سوره قصص، آیه ۶۷.

